

# فهرست

۵	● ستایش
فصل اول: زیبایی آفرینش	
۹	درس اول: پیش از این‌ها
۱۹	درس دوم: خوب جهان را ببین! صورتگر ماهر
فصل دوم: شکفتن	
۲۶	درس سوم: ارمغان ایران
۳۵	درس چهارم: سفر شکفتن
فصل سوم: سبک زندگی	
۴۳	درس ششم: راه نیک‌بختی
۵۰	درس هفتم: آداب نیکان
۶۰	درس هشتم: آزادی
۶۸	● آزمون نیم‌سال اول
فصل چهارم: نام‌ها و یادها	
۷۱	درس نهم: نوجوان باهوش، آشپز زاده وزیر، گریه امیر
۷۸	درس دهم: قلم سحرآمیز، دو نامه
۸۵	درس یازدهم: پرچم‌داران
فصل پنجم: اسلام و انقلاب اسلامی	
۹۲	درس دوازدهم: شیر حق
۱۰۱	درس سیزدهم: ادبیات انقلاب
۱۰۶	درس چهاردهم: یاد حسین (ع)
فصل ششم: ادبیات جهان	
۱۱۲	درس شانزدهم: پرندۀ آزادی، کودکان سنگ
۱۱۹	درس هفدهم: راه خوشبختی
۱۲۵	● نیایش
۱۲۷	● آزمون نیم‌سال دوم
۱۳۰	● پاسخ‌نامه تشریحی



#### واژگان

طلعت: رخسار، چهره، دیدار      زینت: زیور، زیبایی بخش      دیوان: مجموعه‌ای از شعرهای یک شاعر که در یک کتاب بگنجد.

در آغاز هر فصل از کتاب درسی شما عزیزان، یک بیت گنجانده شده است که گاهی اوقات دبیران محترم از آن‌ها و شاعران نامدارشان در امتحانات پرسش مطرح می‌کنند. بیت آغازین بخش تحمیدیه<sup>۱</sup> کتاب فارسی هشتم این چنین است:

ای نام نکوی تو سردفتر دیوان‌ها      وی طلعت روی تو، زینت‌ده عنوان‌ها

**برگردان روان** ای پروردگاری که نام خوب تو آغازگر همه کتاب‌ها است و ای کسی که دیدن چهره تو، زیبایی بخش کتاب است.



#### تاریخ ادبیات... مستوره کردستانی

نام: «ماه‌شرف خانم»      شهرت: مستوره کردستانی  
 فرزند: ابوالحسن      تولد: ۱۲۲۰ هجری قمری  
 وفات: ۱۲۶۴ هجری قمری      آثار: تاریخ اردلان و دیوان شعر  
**نکته** او نخستین زن تاریخ‌نویس گُردزبان ایران است.  
 در شهر سنندج به دنیا آمد و به دو زبان فارسی و گُردی، شعر سروده است.

#### به نام خدایی که جان آفرید

#### واژگان

دستگیر: یاری‌رساننده، مددکار      کریم: بخشنده      مور: مورچه  
 بنی آدم: انسان، فرزند حضرت انسان      مرغ: در این جا به معنای پرنده (پرنندگان)  
 بخت: اقبال، شانس، قسمت      خلیل: دوست، لقب حضرت ابراهیم علیه السلام  
 متفق: هم‌فکر، هم‌عقیده      الهیت: خدایی      فرومانده: ناتوان، عاجز، درمانده  
 ماورا: آن‌سو، آن‌چه در پشت چیزی باشد.

۱- در زبان فارسی - به خصوص در متون مربوط به ادبیات و علوم انسانی - تمام کتاب‌ها در گذشته با شعر یا نثری آغاز می‌شد که محتوای آن حمد و ستایش خداوند و برگزیدگان او بود. این سنت ادبی **تحمیدیه** نام گرفته است. به عنوان مثال در کتاب فارسی هشتم، شعر صفحه ده - به نام خدایی که جان آفرید - به عنوان تحمیدیه برای این کتاب در نظر گرفته شده است.





گنه: ذات، عمق چیزی جلال: عظمت، بزرگی تأمل: اندیشیدن، درنگ کردن پرستار: فرمانبر، فرمان‌بردار، مطیع	ماهیت: چیستی و ذات چیزی بصر: بینایی، چشم صفا: پاکی، صداقت	منتها: پایان هر چیز، آخر هر چیز مُحال: غیرممکن مصطفی: برگزیده
--	---	---

◀ به نام خدایی که جان آفرید سخن‌گفتن اندر زبان آفرید

**برگردان روان** > به نام خدایی آغاز می‌کنم که به ما جان داد و چگونه سخن‌گفتن و اندیشیدن را آموخت.

### نکات ادبی و زبانی

۱ بیت بالا به آیه «خَلَقَ الْإِنسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» تلمیح دارد.

۲ «سخن‌گفتن» مفعول واقع شده است.

۳ این بیت سه جمله دارد: به نام خدا / جان آفرید / سخن‌گفتن اندر زبان آفرید.

۴ «سخن» و «زبان» مراعات‌نظیر دارند.

◀ خداوند بخشنده دستگیر کریم خطابش پوزش‌پذیر

**برگردان روان** > پروردگاری که بخشنده و یاری‌گر است و از خطاهای انسان درمی‌گذرد و عذرخواهی او را می‌پذیرد.

### نکات ادبی و زبانی

۱ واج‌آرایی (نغمه حروف) حرف «ش» و مصوّت<sup>۱</sup> «ی» (کسره)

۲ واژه دستگیر کنایه از کمک‌کننده و یاری‌رساننده است. در این بیت، دستگیر اسم فاعل است؛ یعنی یاری‌رساننده.

۳ بیت بالا از دو جمله تشکیل شده است.

مصوّت‌ها عبارت‌اند از: (ت، ث، ج، ح، خ، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، ق و ...)

◀ پرستار امرش همه چیز و کس بنی‌آدم و مرغ و مور و مگس

**برگردان روان** > همه پدیده‌های جهان هستی فرمان‌بردار دستور پروردگار هستند؛ از جمله انسان و پرندگان و مورچه‌ها و حشرات.

### نکات ادبی و زبانی

۱ مرغ و مور و مگس آرایه مراعات‌نظیر دارد.

۲ در این بیت «همه چیز و کس» نهاد است و «پرستار امرش» مسند. چرا که فعل این بیت «هستند» است که به ضرورت زیبایی شعر، حذف شده است.

۳ منظور از بنی‌آدم و مرغ و مور و مگس، همه موجودات است که در آرایه‌های ادبی به آن «مجاز» می‌گویند.

◀ یکی را به سر بر نهد تاج بخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت (بیت امتحانی)

**برگردان روان** > پروردگار اگر بخواهد، یکی را بزرگ و عزیز می‌کند و بخت و اقبال نصیب او می‌کند و اگر نخواهد، یکی را از مقام والا به پستی

و ذلت می‌کشانند.

### نکات ادبی و زبانی

۱ «تاج بخت» اضافه تشبیهی (تشبیه بلیغ)<sup>۲</sup>

۲ تاج بر سر نهادن (گذاشتن) کنایه از بزرگ و محترم کردن کسی

۳ «بخت و تخت» و «سر و بر» جناس‌اند.

۴ بیت به آیه معروف «تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ» (سوره‌ال‌عمران، آیه ۲۶) تلمیح دارد.

۱- هر واژه از دو بخش صامت (حروف بی‌صدا) و مصوّت (حروف صدا دار) به وجود می‌آید.

۲- تشبیه بلیغ (اضافه تشبیهی) در واقع تشبیهی است که در آن علاوه بر حذف «ادات تشبیه» و «وجه شبه» جای «مشبه» و «مشبه‌به» تغییر کرده و یک ترکیب اضافی به وجود آمده است.

۵ تاج و سر و تخت، مراعات نظیر دارند.

۶ «را» در مصراع نخست، «فک اضافه» است و در مصراع دوم «نشانه مفعول».

**نمونه ۱** «دانش مانند دریا، عمیق و زیباست.» ← دریای دانش

**نمونه ۲** «فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم.» ← سقفِ فلک را ...

«گلستان کند آتشی بر خلیل گروهی بر آتش برَد ز آب نیل

**برگردان روان** < او (پروردگار) آتشی نمرود پادشاه را بر حضرت ابراهیم خلیل الله به گلستان تبدیل می کند و یاران فرعون را در آب رود نیل غرق می کند و به جهنم می برد.

### نکات ادبی و زبانی

۱ مصراع اول اشاره مستقیم دارد به آیه «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا و سَلَامًا علی ابراهیم» (سوره انبیا، آیه ۶۸)

۲ مصراع دوم هم تلمیح دارد به داستان حضرت موسی و فرعون و عبور موسی و یارانش از آب نیل.

۳ در مصراع دوم «بر» به معنای «به» است و واژه «آتش» متمم محسوب می شود.

۴ «خلیل» و «نیل» واژه های قافیه اند.

«به درگاه لطف و بزرگیش بر بزرگان نهاده بزرگی ز سر

**برگردان روان** < انسان های بزرگ و عالی رتبه در برابر بزرگی و عظمت خدا، جایگاه و مرتبه خود را فراموش می کنند.

### نکات ادبی و زبانی

۱ تکرار واژه «بزرگ»

۲ «ش» در «بزرگیش» مضاف الیه است؛ چون «بزرگی او» معنی می شود.

۳ «بر و سر» جناس اند.

۴ «بر» در انتهای مصراع نخست، یک ویژگی ادبی در گذشته است که برای یک متمم، دو حرف اضافه می آوردند. در این مصراع «به» و «بر» حرف اضافه اند.

«جهان متفق بر الهیتش فرومانده از گنه ماهیتش

**برگردان روان** < تمام هستی در این که او پروردگار جهانیان است، هم عقیده اند، اما از شناخت ذات او ناتوان و درمانده اند.

### نکات ادبی و زبانی

۱ «متفق» مُسند است ← جهان بر الهیتش، متفق (است یا هست).

۲ «جهان» ← مجاز از مردم

۳ «فروماندن» کنایه از درماندگی و ناتوانی و عجز

«بشّر ماورای جلالش نیافت بَصْر، منتهای جمالش نیافت

**برگردان روان** < انسان چیزی فراتر از بزرگی و عظمت خداوند پیدا نکرد و چشم (چشم دل) انتهای زیبایی او را درک نکرد.

### نکات ادبی و زبانی

۱ «بَصْر» ... نیافت ← تشخیص به کار رفته است؛ چرا که یافتن، کار انسان است.

۲ «بَصْر» مجاز از چشم دل انسان است.

۱- «را»ی فک اضافه: بین مضاف و مضاف الیه می آید و در نهایت جای آن ها را با هم عوض می کند.

۲- «مُسند» در جمله هایی وجود دارد که فعلشان «اسنادی» (است، بود، شد، گشت، گردید و هم خانواده هایشان) باشد. راه شناخت مُسند:

نهاد + چه + فعل اسنادی ← هوا سرد است.  
نهاد چگونه + مُسند فعل اسنادی

۳ «ماورای جلالش» و «منتهای جمالش» مفعول‌اند.

۴ جلال و جمال ← جناس<sup>۱</sup>

◀ تأمل در آئینه دل کنی صفایی به تدریج حاصل کنی

**برگردان روان** اگر به آئینه دلت (درون خودت) خوب توجه کنی، کم‌کم به یک انسان شریف و صادق تبدیل می‌شوی.

#### نکات ادبی و زبانی

۱ آئینه دل ← اضافه تشبیهی (تشبیه بلیغ) است. دل: مُشَبَّه و آئینه: مُشَبَّه‌به

۲ واژه «کنی» ردیف محسوب می‌شود.

◀ مُحال است سعدی که راه صفا توان رفت جُز بر پی مصطفی

**برگردان روان** ای سعدی، غیرممکن است که بتوانی در راه صفا و صداقت گام برداری بدون آن که رهرو حضرت محمد ﷺ (دین اسلام) باشی.

#### نکات ادبی و زبانی

۱ مُحال ← مُسند است.

۳ ندا و منادا، یک جمله محسوب می‌شوند.

۲ سعدی ← منادا است (حرف ندا (ای، یا و ...)) حذف شده است.

۵ صفا و مصطفی جناس دارند. (این نوع از جناس در کتاب درسی شما نیامده و نام آن، جناس شبه‌اشتقاق است یعنی دو کلمه از نظر حروف

از یک جنس‌اند طوری که به نظر می‌رسد از یک ریشه مشتق شده‌اند.)

#### تاریخ ادبیات... سعدی شیرازی



شهرت: سعدی شیرازی

نام: مصلح‌الدین

تولد: قرن هفتم هجری قمری در شیراز

آثار: دیوان اشعار (شامل قصاید، غزلیات و ...)، گلستان (به نظم و نثر) و بوستان (به نظم)

توضیحات: مجموعه آثارش به «کلیات سعدی» معروف است.

نام دیگر بوستان «سعدی‌نامه» است.

به سعدی «شیخ اجل (بزرگ)» و «استاد سخن» نیز می‌گویند.

#### ◀ واژه‌های مهم املائی

خطابخش - پوزش‌پذیر - متفق - الهیتش - گنه - ماورا - بصر - منتها - تأمل - حاصل - مُحال - مُصطفی

#### ◀ پیام درس

همان‌طور که در تعریف «تحمیدیه» گفته شد، این قبیل متن‌ها در حمد و ستایش پروردگار و اولیاء و برگزیدگان او در زمین است. این ده بیت

که از کتاب «بوستان» یا همان «سعدی‌نامه» برگزیده شده، بخشی از تحمیدیه آن است و ستایش و بیان ویژگی‌ها و توانایی‌های باری تعالی است

که به انسان یادآوری می‌کند برای رسیدن به سعادت و خوشبختی باید پا در راه حضرت محمد مصطفی ﷺ بگذارد.

#### نکته ...

شعر «به نام خدایی که جان آفرید» در قالب مثنوی سروده شده است که در درس‌های بعدی به آن خواهیم پرداخت.

بد نیست بدانید که حضرت فردوسی و عالی‌جناب مولانا هم در این قالب شعری (مثنوی) آثار مهمی سروده‌اند.

۱- جناس یعنی به کار بردن دو واژه که به نوعی از نظر ظاهری هم‌جنس باشند و انواع مختلفی دارد.



# پیش از این‌ها



چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است آن بینی  
برگردان روان پروردگار را از طریق دل و روح حس کن و ببین و به همین وسیله آنچه که با چشم سر نمی‌توانی ببینی، ببین.

### نکات ادبی و زبانی

- ۱ چشم دل ← تشخیص
- ۲ «چشم دل»، «جان» و «آن» مفعول‌اند.
- ۳ «جان» و «آن» جناس هستند.
- ۴ تکرار صامت «ن» ← نغمه حروف (واج‌آرایی)
- ۵ چشم، دل، جان ← مراعات‌نظیر



### تاریخ ادبیات ... هاتف اصفهانی

نام: سید احمد

شهرت: هاتف اصفهانی

تولد: نیمه اول قرن دوازدهم هجری قمری در اصفهان

وفات: ۱۱۹۸ هجری قمری در شهر قم

آثار: دیوان اشعار (که در آن یک ترجیع‌بند<sup>۱</sup> مهم دارد که همه هاتف را به وسیله آن می‌شناسند).

توضیحات: از شاعران دوره افشاریه و زندیه بوده است.

دیوانش شامل قصاید، غزلیات، رباعیات، ترجیع‌بندها و ... است.

### پیش از این‌ها

#### واژگان

عاج: دندان‌های بالایی فیل که گران‌قیمت است	بُرج: ساختمان بلند و مرتفع	خشت: آجر خام
توفنده: پرخروش	نعره: فریادی که از روی ناراحتی و درد باشد	طنین: صدای زنگ‌دار
ریا: دورویی، نفاق	دلگیر: ناراحت، اندوهگین	تیت: قصد
		بوریا: حصیری که از نی می‌بافند

۱- ترجیع‌بند، یکی از قالب‌های شعری بلند است که در آن، شاعر به کمک یک بیت تکرارشونده، چند شعر - که اغلب شکل غزل هستند - را به هم پیوند می‌دهد. هاتف هم به کمک «که یکی هست و هیچ نیست جز او / وحده لا اله الا هو» قسمت‌های مختلف ترجیع‌بندش را به هم پیوند داده است. این شعر هاتف، معروف‌ترین اثر اوست.



◀ پیش از این‌ها فکر می‌کردم خدا خانه‌ای دارد میان ابرها  
**برگردان روان** > در گذشته فکر می‌کردم که خدا در میان ابرها خانه دارد و آن‌جا زندگی می‌کند.

### نکات ادبی و زبانی

۱ «م» در می‌کردم و «خدا»، نهادهای این دو جمله‌اند.

۲ «خانه‌ای» مفعول است.

◀ مثل قصر پادشاه قصه‌ها خشتی از الماس و خشتی از طلا

**برگردان روان** > با خودم فکر می‌کردم خانه خدا، مثل قصر پادشاهانی که در قصه‌ها بودند، از الماس و طلا ساخته شده است.

### نکات ادبی و زبانی

۱ قصر ← متمم؛ چرا که واژه‌های مثل، مانند، چون، همچون و ... حرف اضافه‌اند.

۲ مثل قصر ← تشبیه

۳ الماس و طلا ← مراعات‌نظیر / قصر و پادشاه ← مراعات‌نظیر

۴ واج‌آرایی مصوت بلند «آ»

◀ پایه‌های بُرجش از عاج و بلور بر سر تختی نشسته با غرور

**برگردان روان** > فکر می‌کردم پایه‌های بُرجی که در آن زندگی می‌کند از عاج فیل و بلورهای گران‌قیمت است و خدا با غرور و تکبر روی یک تخت نشسته است.

### نکات ادبی و زبانی

عاج و بلور ← مجاز از اشیای قیمتی (البته کنایه هم محسوب می‌شود).

◀ ماه برق کوچکی از تاج او هر ستاره پولکی از تاج او

**برگردان روان** > (فکر می‌کردم) ماه - با تمام عظمتش - درخشش کوچکی از تاج روی سر خداست و ستاره‌ها، پولک‌های آن تاج‌اند.

### نکات ادبی و زبانی

۱ «از تاج او» ردیف است.

۲ کوچک و پولک کلمات قافیه‌اند.

۳ ماه و ستاره، مراعات‌نظیر ساخته‌اند.

۴ در هر دو جمله بالا، فعل «است» حذف شده است.

۵ آرایه اغراق در بیان شدت درخشندگی تاج خداوند (نسبت به ماه و ستاره)

◀ رعد و برق شب طنین خنده‌اش سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش

**برگردان روان** > رعد و برقی که در شب می‌زند، صدای خنده خداست و سیل و طوفان، فریاد بلند و خروشان اوست.

### نکات ادبی و زبانی

۱ «خنده» و «توفنده» ← واژه‌های قافیه‌اند.

۲ بیت ردیف ندارد.

۳ سیل و طوفان و رعد و برق ← مراعات‌نظیر

۴ نعره و طنین ← مراعات‌نظیر

◀ هیچ کس از جای او آگاه نیست هیچ کس را در حضورش، راه نیست

**برگردان روان** > هیچ کس نمی‌داند او کجاست و کسی نمی‌تواند در حضور او باشد و او را ببیند.

### نکات ادبی و زبانی

۱ «آگاه» مُسند است.

۲ «راه» و «را» جناس‌اند.

۳ «را» در مصراع دوم، به معنی «برای»، حرف اضافه است.

۴ «نیست» در مصراع دوم به معنی «وجود ندارد» است؛ پس فعلِ اسنادی محسوب نمی‌شود.

۵ راه و آگاه ← کلمات قافیه

۶ «نیست» ردیف است.







پیش از این‌ها خاطر دلیگیر بود از خدا در ذهنم این تصویر بود  
**برگردان روان** قبلاً ناراحت و اندوهگین بودم و تصویری که از خدا در ذهنم بود تصویر خدای بی‌رحم و خشمگین بود.

### نکات ادبی و زبانی

۱ واژه «بود» در این بیت ردیف محسوب می‌شود.

۲ «دلیگیر» مسند است. «بود» در مصراع دوم به معنای «وجود داشت» است؛ در نتیجه فعل غیراسنادی است.

تا که یک شب، دست در دست پدر راه افتادم به قصد یک سفر

**برگردان روان** تا این‌که یک شب با پدرم همراه شدم و عازم یک سفر شدیم.

### نکات ادبی و زبانی

۱ راه، قصد و سفر ← مراعات‌نظیر

۲ «قصد یک سفر» ← متمم است.

۳ آرایه تکرار: «دست»

۴ «دست در دست» کنایه از «به همراه»

در میان راه، در یک روستا خانه‌ای دیدیم، خوب و آشنا

**برگردان روان** در بین راه به یک روستا رسیدیم، آن‌جا یک خانه دیدیم که خیلی آشنا و خوب بود.

### نکات ادبی و زبانی

۱ «میان راه» ← ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه)

۲ «خانه‌ای» ← مفعول

۳ خوب و آشنا ← قید است، چون با حذف آن آسیبی به جمله وارد نمی‌شود.

زود پرسیدم: «پدر این‌جا کجاست؟» گفت: «این‌جا، خانه خوب خداست»

**برگردان روان** بلافاصله از پدرم پرسیدم این خانه چه‌قدر آشناست؛ این‌جا کجاست؟ و پدرم گفت: این‌جا خانه خداوند است.

گفت: «این‌جا می‌شود یک لحظه ماند گوشه‌ای خلوت، نمازی ساده خواند»

**برگردان روان** پدرم گفت: می‌شود این‌جا ماند و در کمال آرامش، در یک گوشه، نمازی ساده و دلچسب خواند.

### نکات ادبی و زبانی

«ساده» در مصراع دوم «قید» محسوب می‌شود.

با وضویی دست و رویی تازه کرد با دل خود گفت‌وگویی تازه کرد»

**برگردان روان** پدرم گفت: می‌شود با وضو، شاداب شد و با دل خود و با خدا راز و نیاز کرد.

### نکات ادبی و زبانی

۱ «دست و رویی» و «گفت‌وگویی» مفعول این بیت هستند. ۲ «دست و رو تازه‌کردن» کنایه از شاداب و پرنشاط شدن

گفتمش: «پس آن خدای خشمگین خانه‌اش این‌جاست؟ این‌جا در زمین؟»

**برگردان روان** به پدرم گفتم: پس خانه آن خدای عصبانی، این‌جا، روی زمین است؟

### نکات ادبی و زبانی

«ش» در این مصراع متمم است ← به او گفتم. «او» همان «ش» در گفتمش است.

گفت: «آری خانه او بی‌ریاست فرش‌هایش از گلیم و بوریاست»

**برگردان روان** پدرم گفت: بله. خانه خدا ساده و یکرنگ است و فرش‌های آن گلیم و حصیر است.

### نکات ادبی و زبانی

۱ فرش و گلیم و بوریا ← مراعات‌نظیر

۲ «آری» یک شبه‌جمله است و هر شبه‌جمله، یک جمله محسوب می‌شود.

مهربان و ساده و بی‌کینه است مثل نوری در دل آینه است  
**برگردان روان** > خدا مهربان و ساده و بدون نیت انتقام است؛ مانند یک نور که در آینه افتاده باشد.

### نکات ادبی و زبانی

- ۱ مثل نوری در دل آینه ← تشبیه
  - ۲ «دل آینه» ← ترکیب اضافی ← تشبیه بلیغ
  - ۳ منظور از آینه در این مصراع، «انسان» است.
- عادت او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشانش روشنی»  
**برگردان روان** > خدا با کسی دشمنی و عصبانیت ندارد. چرا که او اصل نور و روشنایی است.

### نکات ادبی و زبانی

- ۱ بیت بالا به آیه معروف «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (سوره نور، آیه ۳۵) تلمیح دارد.
  - ۲ مصراع دوم، دو جمله است: نام او نور (است) و نشانش روشنی (است).
  - ۳ واج‌آرایی صامت‌های «ش» و «ن» در تمام بیت
- تازه فهمیدم: خدایم این خداست این خدای مهربان و آشناست  
**برگردان روان** > بعد از آن ماجرا فهمیدم که خدای من، همین خدای مهربان و آشنا و صمیمی است.
- دوستی از من به من نزدیک‌تر از رگ گردن به من نزدیک‌تر  
**برگردان روان** > خدا دوستی است که از انسان به خودش نزدیک‌تر است. خدا از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است.

### نکات ادبی و زبانی

- ۱ مصراع دوم اشاره دارد به آیه مشهور «و نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ، مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (سوره ق، آیه ۱۶)
  - ۲ ردیف ← «به من نزدیک‌تر»
  - ۳ کلمات قافیه: «من» و «گردن»
- می‌توانم بعد از این با این خدا دوست باشم، دوست، پاک و بی‌ریا  
**برگردان روان** > پس از این می‌توانم با این خدا (که خدای واقعی من است، نه تصویری دور از واقعیت)، به دور از هرگونه دورویی دوست باشم.



**تاریخ ادبیات ...** قیصر امین پور  
نام: قیصر  
تولد: ۱۳۳۸ هجری خورشیدی در دزفول  
آثار: آینه‌های ناگهان، به قول پرستو، دستور زبان عشق، در کوچه آفتاب، تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود و ...  
شهرت: امین پور  
وفات: ۱۳۸۶ در تهران

### واژه‌های مهم املائی

قصر - قصه - الماس - عاج - مغرور - رعد و برق - طنین - نعره - توفنده - حضور - پرس‌وجو - قصد - وضو - بوریا - بی‌ریا

### پیام درس

این درس، یک درس شاعرانه در زمینه خداشناسی است. شاعر در قالب هنر (شعر) تلاش می‌کند به مخاطب نوجوان خود بیاموزد که می‌توان خدا را جور دیگری شناخت و در نهایت با او دوست بود. او سعی می‌کند به ما یاد بدهد که پدیده‌های اطراف را می‌توان متفاوت دید.



## درس نامه

ما برای شناخت عمیق هر اثر ادبی، باید بتوانیم آن را نقد و بررسی کنیم. نخستین گام‌ها در شناخت روش بررسی، این است که ساختار و محتوای آن‌ها را بررسی کنیم.

برای بررسی ساختار (ظاهر و شکل بیرونی) هر اثر، باید به سه پرسش اساسی پاسخ بدهیم:

۱ متنی اثر، به نثر است یا به نظم؟

۲ شیوه بیان آن نوشته «زبانی» است یا «ادبی»؟

۳ واژه‌های آن اثر ساده‌اند یا دشوار؟

با توجه به همین نکته و طرح همین پرسش‌ها، دو بیت از ابیات درس یک را بررسی می‌کنیم:

**نمونه ۱** «بـود، اما در میان ما نبود مهربان و ساده و زیبا نبود

بیت بالا به نظم (شعر) است. شیوه بیانش زبانی است. واژه‌هایی ساده دارد.

**نمونه ۲** «رعد و برق شب، طنین خنده‌اش سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش

بیت بالا به نظم (شعر) است. شیوه بیانش ادبی است. واژه‌هایش نسبتاً دشوارند.

### نکته ...

- تفاوت شیوه «زبانی» و «ادبی» در زیبایی و به کار بردن تکنیک‌ها و آرایه‌های ادبی است.
- در زبان فارسی، بعضی حروف، مانند «ذ، ز، ض، ظ» تلفظ یکسان دارند، اما شکل نوشتاری آن‌ها متفاوت است؛ با دقت در معنا، به املاي این گونه کلمات توجه کنید. مثلاً: زی (سمت، سوی، طرف) ذی (صاحب، دارای)

## حکایت

### به خدا چه بگویم؟

#### واژگان

غلام: نوکر، خدمتکار	ارباب: رئیس، صاحب	صحرا: بیابان
چرا: چریدن، علف‌خواری چهارپایان غیرگوشت‌خوار	انبوه: بسیاری، فراوانی، کثرت	خداوند: در این جا به معنی صاحب چیزی

روزی غلامی گوسفندان اربابش را به صحرا برد.

**برگردان روان** یک روز، خدمتکاری، گوسفندان ارباب خود را برای چریدن به بیابان و صحرا برد.

#### نکات ادبی و زبانی

۱ «غلامی» در این عبارت «نهاد» است.

۲ «روزی» قید است؛ چرا که با حذف آن آسیبی به جمله وارد نمی‌شود.

۳ «ش» در «اربابش» مضاف‌الیه است.

۴ «گوسفندان اربابش» مفعول است و «را» نشانه مفعول.

۵ «صحرا» متمم است؛ چرا که بعد از حرف اضافه<sup>۱</sup> «به» آمده است.

۶ غلام و ارباب: تضاد

۷ گوسفند و صحرا: مراعات‌نظیر

۱- حروف اضافه عبارت‌اند از: «از، به، با، بر، در، برای، که، تا، چون، همچون و ...»



گوسفندان در دشت سرگرم چرا بودند که مسافری از راه رسید و با دیدن انبوه گوسفندان، به سراغ آن غلام (چوپان) رفت، برگردان روان < گوسفندها در مرتع (دشت) مشغول چریدن بودند که رهگذری از راه رسید و با دیدن آن همه (زیادی) گوسفند، سراغ خدمتکار رفت.

گفت: «از این همه گوسفندان، یکی را به من بده».

برگردان روان < مسافر گفت: «از بین این همه گوسفند فراوان، یکی از آن‌ها را به من بده».

### نکات ادبی و زبانی

۱ «ت» در گوسفندان ← مضاف‌الیه

۲ «این همه» و «من» ← متمم

چوپان گفت: «نه، نمی‌توانم این کار را بکنم؛ هرگز!».

برگردان روان < چوپان گفت: «نه، نمی‌توانم این کار را بکنم. اصلاً و ابداً».

### نکات ادبی و زبانی

«نه» و «هرگز» شبه‌جمله‌اند و هر کدام یک جمله محسوب می‌شوند.

مسافر گفت: «یکی را به من بفروش». چوپان گفت: «گوسفندان، از آن من نیست».

برگردان روان < مسافر گفت: «یکی از آن‌ها را به من بفروش». چوپان گفت: «این گوسفندها مال من نیست».

مرد گفت: «خداوندش را بگوی که گرگ ببرد».

برگردان روان < مرد مسافر به چوپان خدمتکار گفت: «به صاحب گوسفندان بگو که گرگ، گوسفند را گرفت و بُرد».

### نکات ادبی و زبانی

۱ «ش» در خداوندش، نقش مضاف‌الیهی دارد.

۲ «خداوندش» نقش متممی دارد؛ چرا که گاهی اوقات «را» معنای «به» پیدا می‌کند.

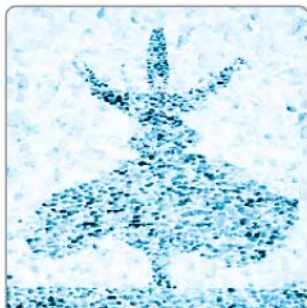
غلام گفت: «به خدای چه بگویم؟»

برگردان روان < خدمتکار گفت: «به پروردگار چه جوابی بدهم و چه بگویم؟»

### نکات ادبی و زبانی

۱ «خداوند» ← متمم

۲ «چه» ← مفعول ← «چه» یعنی «چه چیزی» و «را» که نشانه مفعول است، حذف شده است.



### تاریخ ادبیات... ابوالقاسم قشیری

زمان حیات: قرن پنجم هجری قمری

اثر: رساله قشیریّه

**نکته** >> اصل رساله قشیریّه به زبان عربی است که یکی از شاگردان قشیری آن را به فارسی ترجمه کرده است. این کتاب به معرفی عارفان بزرگ تا پیش از ابوالقاسم و هم‌چنین به شرح اصطلاحات عرفانی می‌پردازد. رساله قشیریّه به همت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر در تهران به چاپ رسید.

### پیام حکایت

این حکایت به ما می‌آموزد که باید خداترسی، صداقت و امانتداری پیشه کنیم و آگاه باشیم که خداوند بر همه چیز داناست و آشکار و نهان را می‌داند؛ پس شاید بتوانیم چیزی را از افراد پنهان کنیم اما حقیقت آن نزد خداوند آشکار است.



## پرسش‌های درس اول

۱ ساختار عبارت‌ها و بیت‌های زیر را بررسی کنید.

- ۱ جهان متفق بر الهیتش فرومانده از کنه ماهیتش
- ۲ مهربان و ساده و بی‌کینه بود مثل نوری در دل آینه بود
- ۳ دوستی از من به من نزدیک‌تر از رگ گردن به من نزدیک‌تر
- ۴ تازه فهمیدم: خدایم این خداست این خدای مهربان و آشناست
- ۵ پرستار امرش همه چیز و کس بنی‌آدم و مرغ و مور و مگس
- ۶ به قدر می‌گویم و بی‌موقع و بی‌حساب نمی‌گویم؛ به قدر فهم مستمعان می‌گویم.
- ۷ در سخن گفتن نیز باید اول، دل، پاک باشد.
- ۸ در دل او دوستی جایی نداشت مهربانی هیچ معنایی نداشت

۲ عبارت یا بیت‌های زیر را به فارسی روان بنویسید.

- ۱ عادت او نیست خشم و دشمنی نام او نور و نشانش روشنی
- ۲ خداوندش را بگوی که گرگ ببرد.
- ۳ گفت: «آری خانه او بی‌ریاست فرش‌هایش از گلیم و بوریاست»
- ۴ جهان متفق بر الهیتش فرومانده از کنه ماهیتش
- ۵ یکی را به سر برنهد تاج بخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
- ۶ ماه برق کوچکی از تاج او هر ستاره پولکی از تاج او
- ۷ به درگاه لطف و بزرگیش بر بزرگان نهاده بزرگی ز سر
- ۸ بشر، ماورای جلالش نیافت بصر، منتهای جمالش نیافت
- ۹ رعد و برق شب، طنین خنده‌اش سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش

۳ جاهای خالی را با کلمات مناسب، کامل کنید.

- ۱ ..... شاعری است که به دو زبان فارسی و کردی، شعر سروده است.
- ۲ هاتف اصفهانی از شاعران دوره افشاریه و ..... است. عرفانی وی نیز معروف است.
- ۳ «در کوچه آفتاب، ..... و .....» از آثار ..... است.
- ۴ مستوره کردستانی را نخستین زن ..... کرد در ایران شمرده‌اند. «دیوان شعر» و ..... از آثار اوست.
- ۵ رساله قشیریه اثر ..... از عارفان قرن پنجم هجری است.

۴ معنای واژه‌های مشخص‌شده را در مقابل آن بنویسید.

- ۱ فرش‌هایش از گلیم و بوریاست: .....
- ۲ رعد و برق شب طنین خنده‌اش: .....
- ۳ پرستار امرش همه چیز و کس: .....
- ۴ پایه‌های برجش از عاج و بلور: .....
- ۵ فرومانده از کنه ماهیتش: .....
- ۶ تأمل در آینه دل کنی: .....
- ۷ بصر منتهای جمالش نیافت: .....
- ۸ سیل و طوفان نعره توفنده‌اش: .....
- ۹ بشر ماورای جلالش نیافت: .....

۵ در بیت‌های زیر نکات ادبی و زبانی (از جمله آرایه‌های ادبی و نکات دستوری) وجود دارد. آن‌ها را بررسی کنید.

- |                                 |                               |
|---------------------------------|-------------------------------|
| ۱ به درگاه لطف و بزرگیش بر      | بزرگان نهاده بزرگی ز سر       |
| ۲ عادت او نیست خشم و دشمنی      | نام او نور و نشانش روشنی      |
| ۳ زود می‌گفتند: «این کار خداست» | پرس‌وجو از کار او کاری خطاست» |
| ۴ مُحال است سعدی که راه صفا     | توان رفت جز بر پی مصطفی       |
| ۵ بشر ماورای جلالش نیافت        | بَصْر، منتهای جمالش نیافت     |
| ۶ مثل قصر پادشاه قصه‌ها         | خشتی از الماس و خشتی از طلا   |
| ۷ تأمل در آینه دل کنی           | صفایی به تدریج حاصل کنی       |

۶ واژه‌های نادرست را پیدا کنید و شکل درست آن‌ها را بنویسید.

- |                                  |   |
|----------------------------------|---|
| ۱ ای نام نکوی تو سردفتر دیوان‌ها | وی تلعت روی تو، زینت‌ده عنوان‌ها: ..... |
| ۲ جهان متفخ بر الهیتش            | فرومانده از گنه ماهیتش: .....           |
| ۳ پیش از این‌ها خاطرمد دلگیر بود | از خدا در زهنم این تصویر بود: .....     |
| ۴ با وزویی دست و رویی تازه کرد   | با دل خود گفت‌وگویی تازه کرد: .....     |

۷ درست یا نادرست بودن عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

- |   |      |                       |
|---|------|-----------------------|
| در نوشته‌های زبانی، از آرایه‌های ادبی استفاده نمی‌شود.                  | درست | <input type="radio"/> |
| برای بررسی محتوای یک اثر باید به ساختار آن توجه کرد.                    | درست | <input type="radio"/> |
| شعر «پیش از این‌ها» یک شعر کهن و حماسی است.                             | درست | <input type="radio"/> |
| در مصراع «ترس بود و وحشت از خشم خدا» آرایه مراعات‌نظیر به کار رفته است. | درست | <input type="radio"/> |

### پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۸ گزینه درست را انتخاب کنید.

۱ در کدام‌یک از بیت‌های زیر از شیوه ادبی استفاده شده است؟

- |                                 |                              |
|---------------------------------|------------------------------|
| الف: هیچ کس از جای او آگاه نیست | هیچ کس را در حضورش راه نیست  |
| ب: نیت من در نماز و در دعا      | ترس بود و وحشت از خشم خدا    |
| ج: خداوند بخشنده دستگیر         | کریم خطابخش پوزش‌پذیر        |
| د: یکی را به سر برنهد تاج بخت   | یکی را به خاک اندر آرد ز تخت |

۲ معنای واژه‌های «گنه، نعره، بوریاء، پی» در کدام گزینه آمده است؟

الف: آغاز، فریاد، فرش، پا

ج: آغاز، فریاد، فرش، دنبال

۳ در بیت «جهان متفق بر الهیتش / فرومانده از گنه ماهیتش» کدام گزینه معنای واژه متفق نیست؟

الف: همفکر

ج: همسان

ب: هم‌عقیده

د: هم‌رأی





۴ کدام گزینه از نظر مفهوم، با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟

- الف:** ای یاد تو مونس روانم  
**ب:** ای نام تو بهترین سرآغاز  
**ج:** به نام خدایی که جان آفرید  
**د:** ای نام نکوی تو سردفتر دیوان‌ها  
 جز نام تو نیست بر زبانم  
 بی‌نام تو نامه کی کنم باز  
 سخن‌گفتن اندر زبان آفرید  
 وی طلعت روی تو، زینت‌ده عنوان‌ها

۵ در کدام یک از بیت‌های زیر از نظر ساختاری، به دلیل کاربرد واژه‌های دشوار، مفهوم دیرپاب شده است؟

- الف:** در میان راه در یک روستا  
**ب:** جهان متفق بر الهیتش  
**ج:** پیش از این‌ها فکر می‌کردم خدا  
**د:** صبح یک روز نوبهاری بود  
 خانه‌ای دیدیم، خوب و آشنا  
 فرومانده از گنه ماهیتش  
 خانه‌ای دارد میان ابرها  
 روزی از روزهای اول سال

۶ کدام یک از آثار زیر از قیصر امین‌پور نیست؟

- الف:** از آسمان سبز  
**ب:** آینده‌های ناگهان  
**ج:** تنفس صبح  
**د:** دستور زبان عشق

۷ کدام آرایه ادبی در بیت زیر به کار نرفته است؟

- «یکی را به سر بر نهد تاج بخت  
 یکی را به خاک اندر آرد ز تخت»

- الف:** مراعات‌نظیر  
**ب:** تشبیه  
**ج:** جناس  
**د:** تشخیص

۸ در دو بیت زیر چند غلط املایی به کار رفته است؟

- «تعمّل در آیینۀ دل کنی  
 مُهال است سعدی که راه صفا  
**الف:** یک  
**ب:** دو  
**ج:** سه  
**د:** چهار  
 صفایی به تدریج حاصل کنی  
 توان رفت جز بر پی مصطفی»

۹ در کدام بیت، واژه مشخص شده، درست معنی نشده است؟

- الف:** رعد و برق شب طنین خنده‌اش  
**ب:** پرستار امرش همه چیز و کس  
**ج:** بشر، ماورای جلالش نیافت  
**د:** مثل قصر پادشاه قصه‌ها  
 سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش (فریاد)  
 بنی‌آدم و مرغ و مور و مگس (مورچه)  
 بَصْر، منتهای جمالش نیافت (آخر)  
 خشتی از الماس و خشتی از طلا (آجر خام)

۱۰ در کدام گزینه واژه‌های به کار رفته هم‌خانواده نیستند؟

- الف:** شهید، مشهد، مشهود  
**ب:** عالم، تعلیم، معمول  
**ج:** غفلت، مغفول، اغفال  
**د:** دانشگاه، دانشجو، داندنه



# پاسخ نامه تشریحی

## پاسخ پرسش‌های درس اول

### پاسخ ۱

۱ این بیت ادبی است. واژه‌های دشوار و دیریاب در آن به کار رفته

است (متفق، الهیت، کنه، ماهیت) و متن به نظم (شعر) است.

۲ این بیت ادبی است. از آرایه تشبیه در آن استفاده شده است

(مثل نوری) و به نظم (شعر) است.

۳ این بیت ادبی است. با وجود داشتن واژه‌های ساده، از آرایه

تلمیح استفاده شده (تلمیح به آیه «نحن اقرب الیه من حبل

الورید»: ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم) و به نظم (شعر) است.

۴ این بیت زبانی است. واژه‌های ساده‌ای در آن به کار رفته و در

قالب نظم (شعر) نوشته شده است.

۵ این بیت زبانی است. واژه‌ها ساده و قابل فهم‌اند و در قالب نظم

(شعر) نوشته شده است.

۶ این عبارت ادبی است. واژه‌هایی که در آن به کار گرفته شده،

تا حدودی دشوارند و در قالب نثر نوشته شده است.

۷ این عبارت زبانی است. واژه‌های ساده و قابل فهم هستند و

به نثر نوشته شده است.

۸ این بیت زبانی است. واژه‌های بسیار ساده‌ای در آن به کار رفته

و در قالب نظم (شعر) آمده است.

### پاسخ ۲

۱ خدایی که من می‌شناسم کینه و عصبانیت ندارد. اسمش نور

است و به روشنی می‌شناسیمش.

۲ به صاحبش (صاحب گوسفندان) بگو که گرگ یکی از آن‌ها

را بُرد و خورد.

۳ گفت: بله. خانه خدا بسیار ساده و خودمانی است. فرش‌های

این خانه از گلیم و حصیرهای بافته‌شده است.

۴ تمام عالم در خدایی او هم‌عقیده و هم‌فکرند و از شناخت ذات

او ناتوان و عاجزند.

۵ [خداوند] به برخی عزّت و خوش‌اقبالی می‌دهد و برعکس

برخی را از اوج، فرود می‌آورد.

۶ ماه (با تمام عظمتش) گویی فقط یک درخشش از تاج اوست

و هر ستاره مانند یک پولک بر روی آن تاج است.

۷ در بارگاه لطف و عظمت پروردگار، تمام بزرگان به نشانه

احترام کلاه از سرشان برمی‌دارند.

۸ انسان، چیزی فراتر از بزرگی و عظمت پروردگار پیدا نکرد.

چشم هم نهایت زیبایی او را نتوانست ببیند.

۹ رعد و برقی که در شب اتفاق می‌افتد، انعکاس خنده پروردگار

است و سیل و طوفان فریاد بلند و خشمگین پروردگار است.

### پاسخ ۳

۱ مستوره کردستانی

۲ زندیه / ترجیع‌بند

۳ تنفس صبح - مثل چشمه، مثل رود - قیصر امین‌پور

۴ تاریخ‌نویس / تاریخ اردلان

۵ ابوالقاسم قشیری

### پاسخ ۴

۱ بوریا: فرشی که از حصیر می‌بافند. حصیر از شاخه‌های درخت

خرما ساخته می‌شود.

۲ طنین: صدای زنگ‌دار، انعکاس

۳ پرستار: فرمان‌بردار، مطیع

۴ عاج: دندان پیشین فیل

۵ گنه: ذات، عمق

۶ تأمل: درنگ کردن، اندیشیدن

۷ بصر: چشم، بینایی

۸ نعره: فریاد بسیار بلند

۹ ماورا: آنچه در پشت چیزی است، فراتر.

### پاسخ ۵

۱ «درگاه لطف و بزرگی» در این مصراع نقش متممی دارد.

اما در گذشته، گاهی برای یک متمم دو حرف اضافه به کار می‌بردند. مثل مصراع بالا که «به» و «بر» با هم به کار رفته‌اند. ضمناً «بر» و «سر» جناس محسوب می‌شوند؛ هم‌چنین آرایه تکرار (بزرگی) در بیت دیده می‌شود. بزرگی از سرنهاندن کنایه است از اظهار تواضع و خاکساری.

۲ در این بیت از آرایه تلمیح استفاده شده است. در مصراع دوم،

«نام او نور» براساس آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» سروده شده است؛ هم‌چنین واج‌آرایی صامت «ن» در بیت وجود دارد.

۳ در این بیت از آرایه تکرار استفاده شده است؛ چرا که واژه

«کار» سه بار در بیت آمده است. از سوی دیگر تکرار صامت «ک» یک واج‌آرایی به وجود آورده است.

۴ در این بیت شاعر از نام خود در شعر استفاده کرده است. هر وقت

شاعر نام خود را در شعرش به کار برد از آرایه ادبی «تخلص» استفاده کرده است. «راه صفا» یک اضافه تشبیهی است.

۵ در این بیت، دو جناس وجود دارد. یکی بین «بشر و بصر» و

دیگری بین «جمال و جلال».

۶ در این بیت یک تشبیه وجود دارد، آن‌جا که می‌گوید مثل

قصر پادشاه قضاها. دومین آرایه به کار رفته در این بیت، آرایه تکرار است که از تکرار واژه «خشتی» به وجود آمده است. بین الماس، طلا، قصر و پادشاه مراعات‌نظیر به چشم می‌خورد.

۷ «آیین دل» اضافه تشبیهی است و دل را از نظر زلال بودن و

صفا به «آیین» تشبیه کرده است.

### پاسخ ۶

۱ طلعت درست است، نه تلعت

۲ متفق درست است، نه متفغ

۳ ذهنم درست است، نه زهنم

۴ وضویی درست است، نه وزویی

### پاسخ ۷

۱ درست

۲ نادرست

۳ نادرست

۴ درست

### پاسخ ۸

۱ گزینه د در این بیت، یک تشبیه بلیغ وجود دارد و آن

«تاج بخت» است. در این اضافه تشبیهی بخت به تاج تشبیه شده است. بیت‌های دیگر همه از شیوه زبانی بهره برده‌اند.

۲ گزینه د کنه: ذات / نعره: فریاد / بویا: فرش حصیری / پی:

دنبال

۳ گزینه ج متفق یعنی هم‌فکر، هم‌رأی، هم‌عقیده؛ واژه

همسان یعنی همانند.

۴ گزینه الف چرا که در این گزینه یاد خدا را مونس و آرام‌بخش

روان انسان می‌داند اما، سه گزینه بعدی همه از آغاز کارها با یاد و نام خدا حرف می‌زنند.

۵ گزینه ب در این گزینه واژه‌های دیریاب و دشواری مانند

«متفق، الهیت، فرومانده، کنه و ...» به کار رفته است. همین به کارگیری واژه‌های دشوار، بیت موردنظر را دشوار و مفهوم را دیریاب کرده است.

۶ گزینه الف «از آسمان سبز» سروده زنده‌یاد «سلمان هراتی است».

«آینه‌های ناگهان»، «تنفس صبح»، «مثل چشمه، مثل رود»، «در کوچه آفتاب» و ... از آثار زنده‌یاد «قیصر امین‌پور» هستند.

۷ گزینه د «سر، تاج و تخت» مراعات‌نظیر هستند. «تاج

بخت» اضافه تشبیهی است. «بخت و تخت» جناس محسوب می‌شود. فقط آرایه تشخیص در این بیت به کار نرفته است.

۸ گزینه ج تأمل درست است، نه تعمل

حاصل درست است، نه هاصل

مُحال درست است، نه مُهال

۹ گزینه الف طنین ← صدای زنگ‌دار، انعکاس صدا

۱۰ گزینه ب عالم و تعلیم با هم، هم‌خانواده‌اند. اما معمول

از یک خانواده دیگر به شمار می‌رود. عالم و تعلیم از سه حرف اصلی (ع، ل، م) ریشه می‌گیرند؛ اما معمول از (ع م ل).